****

****

**عنوان:**

**حدود اهلیت تمتع**

**استاد راهنما:**

 **جناب آقای محمد فرزانگان**

**تاریخ تحقیق:15/3/99**

**تهیه کننده: حامد آدینه پور**

**شماره دانشجویی:9852314101**

**درس مربوطه: مدنی 1**

**رشته و مقطع: ترم 2 ارشد حقوق خصوصی**

**بهار 99**

**چکیده:**

اشخاص و انسان ها وقتی در جامعه متولد می شوند برای برخورداری از حق و حقوق خود نیازمند داشتن اهلیت هستند که یک مسئله حائز اهمیت در حقوق خصوصی است، اما همه آنچه در قانون راجع به آن بحث شده است اهلیت استیفاء است و متأسفانه توجه چشم گیری به اهلیت تمتع نشده است.

حتی اهلیتی که در بیشتر مواد قانونی از آن نام برده شده همان اهلیت استیفاء است.

بنابراین در این مقاله ضمن تبیین معنای اهلیت و اهلیت تمتع، به مبنای آن و اشخاص برخوردار از آن می پردازیم.

**کلید واژه: اهلیت-حقوق خصوصی-اهلیت استیفاء-اهلیت تمتع**

**مقدمه:**

به طور کلی در حقوق خصوصی همه انسان ها دارای اهلیت هستند، در این راستا حتی برخی حقوقدانان گفته اند، اهلیت در انسان اصل و نقص یا عدم اهلیت استثناء است.

بحث اهلیت از مباحث گسترده و مهم فقه و حقوق و به پیروی از آن قوانین است و جزء موضوعاتی است که در آن اختلاف نظرهای فراوانی در زمینه اهلیت استیفاء وجود دارد به طوری که می گویند حقوق خصوصی بر مبنای اهلیت بنا شده است ولی امری که باید مورد توجه قرار گیرد اهلیت تمتع و موانعی است که این اهلیت برای شخص به وجود می آورد که به علت کمبود منابع نیاز به مطالعه دقیق تر خواهد بود.

**فصل اول: کلیات**

**مبحث اول: معنای لغوی و اصطلاحی اهلیت**

واژه اهلیت[[1]](#footnote-1) در فرهنگ های لغت به معنای ظرفیت، استعداد، صلاحیت، شایستگی، سزاواری و لیاقت آمده است (معین، 1364، ص155) و (لنگرودی، 1388، ص 739).

در فرهنگ حقوقی به معنی وصف قانونی، صلاحیت، قدرت یا شایستگی، توانایی درک ماهیت و آثار رفتار ارتکابی، صلاحیت و توانایی یک شخص معین برای حضور در دادگاه بیان شده است (black henry campbell، 2005، p107 ).

وای در بیشتر مباحث حقوقی اهلیت را به معنای شرایط اهلیت استیفاء معنا کرده اند؛ یعنی، انسانی که زنده، بالغ و عاقل است و در حین حال واجد قوه تمیز و تشخیص و نیز اراده باشد.

اهلیت به طور مطلق عبارت است از توانایی قانونی شخص برای دارا شدن یا اجرای حق، توانایی قانونی دارا شدن حق را اهلیت تمتع، و توانایی قانونی برای اجرای حق را اهلیت استیفاء می نامند (گلدوزیان، گلریز، 1397، ص 3).

حال از آنجا که موضوع مقاله راجع به اهلیت تمتع است اشاره ی کوتاهی به معنای لغوی و اصطلاحی آن اهلیت نیز می پردازیم.

**گفتار اول: معنای لغوی و اصطلاحی اهلیت تمتع**

تمتع اسم مصدر است و در لغت به معنی برخورداری گرفتن آمده است (کاتوزیان، 1376، ص 2).

دکتر محمد جعفر لنگرودی در کتاب مسبوط در ترمینولوژی حقوق با استناد به آیه 196 سوره آل عمران آورده چون زائر کعبه در ماه حج پس از فراغ از آداب عمره از حال احرام بیرون شده و ترک حرام بر او حلال می شود، از آن ها بهره وری می گردد (جعفری لنگرودی، 1388، ص 1415).

در اصطلاح اصولاً هر شخصی دارای اهلیت تمتع است و می تواند صاحب حق باشد، حتی صغار و مجانین می توانند طرف حق واقع گردند، مثلاً صغیر یا مجنون می توانند مالک یا طلبکار باشند (صفایی، 1389، ص 113) ، چنانکه قانون گذار در ماده 956 و 958 ق. م چنین مقرر می دارد : ((956: اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود))، ((958: هر انسان متمع از حقوق مدنی خواهد بود)).

**مبحث دوم: انواع اهلیت**

در اقسام اهلیت باید گفت فقها، حقوقدانان، با در نظر گرفتن موازین شرعی و نصوص قانونی، اهلیت را به دو دسته تقسیم نموده اند: 1-اهلیت تمتع یا اهلیت دارا شدن حق 2-اهلیت استیفاء یا اهلیت اجرای حق که به علت توجه اختصاصی این مقاله به اهلیت تمتع تنها به توضیح مختصری از اهلیت استیفاء می پردازیم ( صفایی، 1389، ص 113).

**گفتار اول: اهلیت استیفاء**

استیفاء در لغت به معنی تمام بازستاندن، تمام چیزی را خواستن و استیفای استفاده کرده از کار یا مال دیگری با رضای او می باشد، اما در اصطلاح اهلیت استیفاء یا اهلیت بهره وری از حق در برابر اهلیت تمتع آمده و به معنای اعمال حقوقی است که یک شخص دارا است.

در وقع اهلیت استیفاء قدرت اعمال حق و آن قابلیتی است برای آنکه شخص بتواند حق خود را استیفاء نماید، چنانکه بتواند در اموال و حقوق خود تصرف نماید و یکی از معاملات عقود را منعقد سازد به بیان دیگر برای آنکه انسان بتواند حق خود را استیفاء نماید داشتن حق تمتع کافی نمی باشد، این است که قانون مدنی در قسمت اخیر ماده 958 چنین مقرر می دارد: ((هیچ کس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد)).

**گفتار دوم: اهلیت تمتع**

اهلیت دارا شدن حق یا اهلیت تملک و استحقاق، همگی به معنی صلاحیت و توانایی شخص برای دارا شدن حق است که این اهلیت بستگی به مراحل زندگی انسان دارد، از قبیل اهلیت جنین، اهلیت دوران طفولیت، اهلیت دوران تمیز، اهلیت بلوغ و اهلیت رشد. در حقیقت اهلیت انسان از دوران جنینی به طور ناقص آغاز می شود و منظور از این اهلیت اهلیت تمتع می باشد ، اما این موضوع بدین معنی نیست که بتواند حق خویش را استیفاء کند، چرا که هر انسانی متمع از حقوق مدنی خواهد بود اما هیچ کس نمی تواند حقوق خویش را اجرا کند، مگر اینکه برای این امر، اهلیت قانونی (استیفاء) داشته باشد (م 958 ق.م).

دکتر کاتوزیان معتقد است چون تمتع از حق به طور معمول با به کار رفتن و اجرای آن همراه است، این کلمه صلاحیت اعمال حق را نیز در بر می گیرد اما با معنی مورد نظر تناسب ندارد. همانطور که تا اینجا بیان شد اهلیت تمتع، به این معناست که اشخاص به طور قانونی بتوانند مالک حقوقی باشند، حال آیا تمام افراد جامعه از اهلیت تمتع برخوردار هستند؟

برای بررسی این موضوع در فصل بعد به مبنای حقوقی اهلیت تمتع و استثنائات آن می پردازیم.

**فصل دوم: مبنای حقوقی اهلیت و استثنائات آن**

**مبحث اول: مبنای حقوقی اهلیت**

همه ی انسان ها (اشخاص حقیقی) دارای اهلیت تمتع می باشند، به نطر دکتر امامی اهلیت تمتع ملاک شخصیت حقوقی می باشد و شخصیت حقوقی از تولد آغاز می شود و همین که انسان پا به عرصه ی وجود نهاد دارای اهلیت تمتع می شود (امامی، 1382، ص 203).

در واقع مبنای حقوقی اهلیت تمتع، انسان بودن است، به همین خاطر است که اهلیت تمتع یا برخورداری از حقوق و آزادی های مدنی با تولد انسان شروع و با مرگ او خاتمه پیدا می کند حتی حمل نیز از حقوق مدنی برخوردار می شود به شرط آنکه زنده متولد شود. همان طور که ماده 957 قانون مدنی مقرر می دارد: ((حمل از حقوق مدنی متمع می گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود)). این حقوق به صورت غیر ارادی و قهری، یعنی با تولد برای انسان حاصل می شود و اراده انسان نقشی در حصول آن ندارد، همانطور که بیان شد انسان از دوران جنینی دارای اهلیت تمتع می باشد و بر اساس ماده 956 قانون مدنی: ((اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و مرگ او تمام می شود)) (اسحاقی، 1395، ص 10).

جنین در فقه و حقوق دارای حقوقی مانند ارث است و به علت برخورداری از اهلیت تمتع حقوقی دارد که مانع ارث بری سایر وراث خواهد شد، همانطوری که در ماده 878 ق.م بیان شد: ((هر گاه در حین موت مورث، حملی باشد که قابل وراثت متولد شود، مانع از ارث تمام یا بعضی از وراث دیگر می شود، تقسیم ارث به عمل نمی آید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچ یک از سایر وراث نباشد و آن ها بخواهند ترکه را تقسیم کنند، باید برای حمل، حصه ای که مساوی دو پسر از همان طبقه باشد کنار بگذارند و حصه هر یک از وراث مراعاً نگه داشته شود، تا حال حمل معلوم شود)) (خمینی، 1366، ص 486).

 همچنین بر اساس ماده 957 ق.م : ((حمل از حقوق مدنی متمع می شود مشروط بر اینکه زنده متولد شود)) بنابراین هر شخصی که زنده متولد شود دارای اهلیت تمتع است.

معمولاً آنچه استثناء دارد اهلیت استیفاء می باشد، زیرا همه ی افراد نمی توانند دارای اهلیت استیفاء باشند و این نوع اهلیت است که شرایطی خاص دارد اما قانون گذار کشور ما در پاره ای موارد این حق اهلیت تمتع را از بعضی افراد سلب نموده است که در مبحث بعدی به آن می پردازیم.

**مبحث دوم: استثنائات اهلیت تمتع**

با توجه به بیان مبنای اهلیت تمتع دانستیم که اکثر افراد با زنده متولد شدن قاعدتاً باید دارای اهلیت تمتع باشند اما قانون گذار کشور ایران با توجه به نظم اجتماعی، جلوگیری از سوء استفاده و حمایت از حقوق دیگران و همچنین جلوگیری از سلطه بیگانگان قوانینی وضع کرده و اشخاصی را از داشتن حق تمتع محروم نموده است و در موارد خاص این حق در زمان یا مکان خاصی از آنان سلب شده است که به تبع آن اهلیت استیفای او نیز زائل می شود که در چند گفتار به آن می پردازیم.

**گفتار اول: موارد استثناء در اتباع بیگانه**

به موجب ماده 961 ق.م اتباع بیگانه از حقوقی که منحصراً به اتباع ایران تعلق دارد محروم می باشند. این ماده از این قرار است: (( جز در موراد ذیل، اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمع خواهند بود: 1- در موارد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است 2-در مورد حقوق مربوط به اموال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده است 3-در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.))

بنابراین اتباع بیگانه در این 3 مورد که بیان کردیم فاقد صلاحیت دارا شدن حق می باشند، همچنین ممکن است به موجب قانون برخی از افراد که تابعیت ایران را اکتساب کرده اند از این حقوق محروم باشند که در چنین مواردی باید به طریق اولی اتباع بیگانه را نیز از آن حقوق محروم دانست که در زیر به چند نمونه آن اشاره می کنیم.

**بند اول: حق شفعه و تملک اموال غیر منقول**

حق شفعه حقی است که برای شریک مال غیرمنقول در موقع فروش سهم شریک دیگر ایجاد می شود و چون بیگانگانی که در ایران مقیم هستند صرفاً به صورت محدود می توانند مالک اموال غیر منقول از قبیل زمین یا خانه شوند و حق مالک شدن بر زمین های مزروعی را نخواهند داشت و حتی برای تملک منازل مسکونی هم نیازمند اجازه رسمی دولت ایران خواهند بود که عملاً تحصیل شدنی نیست، پس از داشتن حق شفعه نیز به تبع آن محروم خواهند شد (امیری قائم مقامی، 1356، ص 147).

**بند دوم: احوال شخصیه**

قانون گذار در مواد 6 و 7 قانون مدنی در خصوص تعیین تکلیف احوال شخصیه و اهلیت ایرانیان مقیم داخل و خارج و اتباع بیگانه مقیم ایران را به ترتیب در مواد فوق معین کرده است که همگی به اصل واحدی در خصوص اهلیت افراد اشاره دارد، آن هم حاکمیت قانون متبوع افراد است و در واقع قانون مدنی ایران اهلیت افراد را تابع قانون ملی دانسته است.

از آن جایی که مشخصات احوال شخصیه، هویت شخصی را می سازند و حقوق و تکالیف او را در خانواده و اجتماع معین می کنند باید گفت این دو مفهوم احوال شخصیه و اهلیت تمتع رابطه نزدیکی دارند، در ادامه باید گفت که اهلیت تمتع اتباع بیگانه در ایران بر اساس مندرجات اساسنامه و شرایط و مقررات قانون کشوری است که در آنجا ثبت و تأسیس گردیده، می باشد ولی قانون ایران محدودیت هایی را در ماده 961 برای آنان قائل شده است که اهلیت تمتع اشخاص بیگانه در ایران مبتنی بر شخصیت حقوقی شناخته شده برای او در قانون کشور متبوع است و چنانچه چنین شخصی بر حسب قانون کشور متبوع شخصیت حقوقی خود را از دست بدهد می توان گفت شخصیت او در ایران نیز منحل شده است (الماسی، 1368، ص178).

**بند سوم: آزادی ورود و خروج و اقامت**

آزادی ورود و خروج هم به عنوان یک حق برای اتباع خارجی به دولت ها وجود دارد که ایران به عنوان یکی از کشور های امضاء کننده کنوانسیون وضع پناهندگان و پروتکل آن، حق رفت و آمد را برای اتباع خارجی به رسمیت شناخته است که دارا شدن اهلیت تمتع هم نیازمند تشریفات خواهد بود (مظهری، مرندی، 1395، ص 4) و در ادامه از حق دادخواهی و استملاک بیگانگان هم می توان نام برد که برای کوتاهی سخن به آن نمی پردازیم.

**گفتار دوم: استثناء اتباع ایرانی**

همانطور که بیان شد در اتباع ایرانی اصل بر دارا بودن اهلیت تمتع می باشد و با از بین رفتن بردگی، نداشتن اهلیت تمتع، جنبه استثنائی دارد و محدود به موارد مشخص در قانون می باشد.

ایرانیان نیز مثل اتباع خارجی در برخی موارد از داشتن حق تمتع محروم اند که به صورت موردی به آن اشاره می کنیم.

1-اطفال نامشروع که بر اساس مواد 1167 و 884 ق.م طفل متولد از زنا علاوه بر این که به زانی یعنی زناکننده ملحق نمی شود بلکه از وی ارث نیز نمی برد.

2-عدم اهلیت کارکنان دولت در معاملات دولتی است که بر اساس قانون منع مداخله کارکنان دولت، آنها نمی توانند در معاملات دولتی مداخله نمایند.

3-عدم مداخله قیم برای معامله با مولی علیه خویش که به موجب ماده 1340 ق.م بیان گردیده است: ((قیم نمی تواند به سمت قیمومت از طرف مولی علیه با خود معامله کند، اعم از اینکه مال مولی علیه را به خود منتقل کند، مال خود را به او انتقال دهد)).

4-به موجب ماده 881 ق.م مکرر کافر از مسلمان ارث نمی برد این نیز از موارد استثنا اهلیت تمتع می باشد.

5-صغیر مجنون و سفیه و یا ورشکسته نمی توانند به عنوان قیم تعیین شوند و به اصطلاح فاقد اهلیت تمتع می باشند چون نماینده قانونی آنان نیز نمی تواند این حق را از طرف آن ها اعمال نماید، ماده 1231 ق.م بیانگر همین امر است (حائری، 1382، ص123).

6-اشخاص حقوقی نمی توانند خارج از موضوع و هدف خود فعالیتی داشته باشند و اعمال حقوقی انجام دهند و فاقد اهلیت تمتع برای انجام سایر امور تجارتی خواهند بود (نصیری، 1392، ص87).

**نتیجه گیری:**

با توجه به مطالب بیان شده باید گفت اهلیت یکی از مباحث مهم حقوق است و مورد توجه همگان قرار دارد، در این مقاله دانستیم که همه ی افراد به محض تولد و آغاز زندگی دارای اهلیت تمتع بوده و آنچه دارای شرایطی است اهلیت استیفاء می باشد.

با از بین رفتن بردگی، فرض بر دارا بودن اهلیت تمتع همه افراد جامعه می باشد اما قانون گذار در مواردی مثل تملک اموال غیر منقول، حق شفعه، احوال شخصیه و ... بیگانگان را از داشتن این حق محروم کرده است، البته ایرانیان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و آن ها نیز از حقوقی که به صورت موردی در مقاله ذکر شد محروم هستند، اما در این مسئله لازم به ذکر است که نکته قابل توجه قانونی بودن این محدودیت هاست، یعنی فرض بر دارا بودن اهلیت تمتع است مگر قانون مواردی را چه برای اتباع ایران و چه بیگانگان منع کرده باشد.

**منابع:**

1-اسحاقی،مهوش، **اهلیت در حقوق**، مقاله، 1395.

2-الماسی، نجاد علی، **تعارض قوانین**، مرکز نشر دانشگاهی، 1368.

3-امامی، سید حسن، دوره **حقوق مدنی، ج1**، انتشارات اسلامی، 1382.

4-امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، **حقوق تعهدات**، چاپ دانشگاه تهران، 1356.

5-جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **مسبوط ترمینولوژی حقوق، ج1**، انتشارات گنج دانش، چ4، 1388.

6-حائری شاه باغ، سید علی، **شرح قانون مدنی**، تهران، گنج دانش، 1382 ش.

7-خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله، ج1**، قم، انتشارات دارالعلوم، 1366.

8-صفایی، سید حسین، **حقوق مدنی دوره مقدماتی، ج2**، نشر میزان، 1389.

9-کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی**، قواعد عمومی قراردادها، ج2**، نشر شرکت انتشار، چ4، 1376.

10-گلدوزیان، ایرج، گلریز، امین، **اهلیت جنایی اشخاص حقوقی**، مقاله، 1397.

11-مظهری، محمد، مرندی، سمیه**، اهلیت در حقوق خصوصی**، مقاله، 1395.

12-معین محمد**، فرهنگ فارسی،** چ7، انتشارات امیر کبیر، تهران، 1364.

13-نصیری، محمد، **حقوق بین الملل خصوصی**، نشر آگه، چ27، 1392.

14-Black henry Campbell,**Black’s** **law dictionary u.s.a.west publishing** co,2005.

15- <http://vakiltop.com>

16- [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com)

17- [www.malekpourmie.com](http://www.malekpourmie.com)

18- [www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

1. capacity [↑](#footnote-ref-1)